نگاهی جامعه شناسانه به دلایل تعصب کم بعضی از هموطنان به خرید کالای ایرانی

در جست‌وجوی تمایز و تفاخر!

امیر محمدیان خراسانی | جامعه شناس

محوری

هر کشـــوری باید از کالای داخلی باکیفیت و با قیمت منطقی خودش حمایت کند تا محصولات داخلی آن، توان رقابت با محصولات خارجی و جذب مشتریان بیشتری را داشته باشد. اما در همین جا سوالی مطرح می شود که علاوه بر کیفیت، قیمت مناسب، خلاقیت، کارایی در طراحی، تولید محصول و نیازسنجی مشتریان بالقوه و بالفعل، چه ملاک های دیگری را باید در نظر گرفت؟ همچنین این پرسش مطرح است که چرا برخی افراد به خصوص جوانان گاهی از خرید کالای داخلی خودداری می کنند و خارجی را ترجیح می دهند و حتی بابت داشتن یا پرسش درباره کالای داخلی از مغازه دارها احساس شرمساری می کنند؟

تبدیل کالا به وسیله ای برای خودنمایی

از لحاظ جامعه شناختی تصویر اشـــیا اعم از کالا و دیگر موارد، برای کنش گران اجتماعی از طریق معنایی که با خود حمل می کند اثرگذار و در کنش های ما دخیل است. این تصویری که با خود معنایی حمل می کند واجد میزانی از ارزش اســـت و تمام این ها به دلیل احساسات اجتماعی شـــده کنش گران و کارکردهای اجتماعی کالاهاست. می توان در این جا از استعاره نیز اســـتفاده و بیان کرد که در راستای مصرف گرایی و بت واره شدن کالا، کالاهایی که در تملک ما هســـتند به قطعه ای از وجود ما تبدیل شده اند که نه تنها هویت ما را شکل می دهند بلکه از طریق آن ها خود را به دیگران می شناسانیم و می نمایانیم و این از طریق همان ساز و کار تصویر برجسته شده یک کالاست که بسیار فراتر از ارزش کاربردی و پولی آن است اگرچه عموما تصویر بهتر با قیمت بالاتر رابطه مستقیم دارد. همچنین درباره کالاهایی مانند پوشاک و لوازم آرایشی، می توان گفت آن ها حکم عضوی از بدن را در انگاره تصویر اجتماعی برای کنش گران جامعه پیدا کرده اند که طبیعتا هر عضوی از جامعه می خواهد جلوه اعضای بدنش بسیار خوب، تاثیر گذار و تمایز بخش باشد و منزلت او را بالا ببرد و برایش تشخص به بار آورد.

حامل پیام و معنا بودن کالاها

همان طور که گفته شد کالاهایی که می خریم و مصرف می کنیم، حامل پیام و معنایی هستند که در دل آن ها نهفته است اما آن پیام و معنا توسط خود کنش گران شکل می گیرد و تفسیر و درک می شود. به عبارتی یک فرایند فرهنگی-اجتماعی تدریجی است که بیان می کند کالا با دیگران سخن می گوید یا «من این کالا را دارم پس متفاوت هستم» یا «جزئی از فلان گروه می باشم» یعنی خود را به آن ها منتسب می کنم و برای آن، اثباتی بیش از تملک آن کالا نیاز ندارم.

ارائه تصویر خوب از خود در چشم دیگران

اگر نگاهی واقع گرایانه داشته باشیم، نمی توان گفت فارغ از بحث خوب یا بد بودن این وضعیت، خود کنش گران هستند که چنین تلقی و تصوری دارند بلکه آن ها زاده و بزرگ شده جامعه ای هستند که این پیام را چه درست و چه غلط در آن ها درونی و به آن ها القا کرده است. همچنین باید دست از آرمان گرایی و یکه تاز بودن در تمامی عرصه های مصرفی برداشت و پذیرفت که در بازار رقابتی سالم، مصرف کنندگان دست به انتخاب مناسب ترین با توجه به بودجه و سلیقه و دیگر موارد می زنند. تنها بر عهده ماســـت که آگاهی آن ها را افزایش دهیم. پیام و معنای کالای خارجی در صورت ترجیح آن بر کالای داخلی، به جز معیارهای اقتصادی و کیفی، این است که باور ما بر این است تصویری مطلوب تر از من همراه آن کالا و به واسطه آن کالا در اذهان و چشمان دیگران ظاهر می شود و از این رهگذر، نتیجه می شود که تصویر من منوط به تفسیر دیگران نیز هست یعنی چون من در اثر زندگی و کنش در این جامعه دریافته ام که ادراک از شخص دارنده آن کالا مطلوب تر است، آن کالا را ترجیح می دهم.

نشان دادن پولدار بودن با خرید کالای خارجی

پس هم تفسیر کنندگان منزلت و تصویر من در این وضعیت سهم دارند و هم من که می خواهم انتظارات از خودم را با داشتن آن کالا این گونه تنظیم و حس تمایز بخشی را در عمل بدین طریق پیاده کنم. به طور مثال، چون پیراهنی با برند خارجی معروف می پوشم که عموما گران تر است، فارغ از بادوام بودن و کیفیت آن، این تصویر را که حاصل بار معنایی پیراهن و تفســـیر مرتبه دوم دیگران است ایجاد می کنم: «احساس تشخص، تمایز و منزلت اجتماعی فراتر از سطح متوسط دارم و خود را از لحاظ اقتصادی در وضعیتی مطلوب نشان می دهم.»

ضرورت قرار گرفتن همه کالاهای ایرانی در مســـیر زعفران و فرش

پس کالاها حرف می زنند و دیگران تفسیر می کنند. اگر کالای داخلی نیز بخواهد این وضعیت را دگرگون کند باید ســـخن بگوید و معنا و پیامی که به آن الصاق می شود و طی یک فرایند اجتماعی توسط خود تولید کننده و مصرف کننده و دیگرانی که بیننده هستند به وجود می آید، باید تغییر کند که این امر مستلزم آگاهی دادن و ورود به رقابتی سالم، احترام به سلیقه و آزادی انتخاب افراد است. تمامی افراد یک اجتماع در فرایند شکل گیری معنا و الصاق آن به رویدادها و اشیا دخیل هستند و دگرگون ساختن آن کاری فرهنگی است نه اقتصادی. باید هدایت کنش ها از طریق افزایش آگاهی و رقابت سالم صورت پذیرد به همان طریقی که پسته، زعفران، برنج و فرش ایرانی کرده اند و معنا و پیام را در ذهن مخاطب تغییر داده اند و احساس تشخص و تمایز از طریق تملک نمونه های مشابه آن ها نه تنها صورت نمی گیرد که حتی سرافکندگی نیز در مواردی وجود دارد.

خطر خطر خطر خطر خطر خطر خرید کالای خارجی؛

خطر خطر خطر خطر خطر خطر مرگ سرمایه ملی

یک شنبه ها
یک داستان، یک بیماری

خودخوری و صحبت مدام با خود!

سپیده پورحسین
روان شناس

حال و روزم دست خودم نبود. هرچه به روز مراسم عروسی ام نزدیک تر می شد، بیشتر مشـــوش می شدم. احساس می کردم توی سرم مدام دارند روی طبل می کوبند! انگار درونم هزار بچه بازیگوش دنبال یک توپ می دویدند و به جز سر و صدا کردن، هدف دیگری نداشتند! مدام به فکر چیزهایی بودم که راه حلی برای از بین بردن شان از جانب خودم پیدا نمی کردم. بارها با پدرشوهرم توی دلم سر کم و کاستی های عروسی بحث می کردم. از خیاط لباسم گله می کردم که چرا آن گونه نشد که من می خواستم. در خیالم به شوهرم می گفتم که من شاهد مکالمه او با خواهرش راجع به خودم بودم ولی به خاطر حفظ احترام ها چیزی به رویش نیاوردم. از مادرم خواهش کردم کمتر در زندگی شخصی من دخالت کند و اجازه بدهد بعضی تصمیم هـــا را خودم برای زندگی ام بگیـــرم. واقعا کلافگی بدی بود. در دنیای خودم با هزار و یک نفر وارد گفت و گو می شدم و گاهی حتی از آن ها جواب رد می گرفتم. با این حال و در دنیای واقعی، فقط به آن ها نگاه و گاهی بی توجه از کنارشان عبور می کردم. با دست های خودم بعضی افکارم را خفه می کردم، بعضی صحبت ها را به دنیای واقعی ام وارد می کـــردم و این جویده شدن و نبلعیدن افکار هر روز، بیشتر از گذشته من را به هم می ریخت. درست مانند یک تکه آدامس که همیشـــه به گوشه پیراهنم چســـبیده بود و با هیچ یخی پاک نمی شد...

نشخوار فکری یا rumination

بیماری نقش اول داستانی که خواندید از دســـته رشـــته اختلالات اضطرابی اســـت که زیر مجموعه وسواس های فکری است. افراد گاهی برای رهایی از افســـردگی و نگرانـــی بـــه این کار می پردازند و در تصـــورات خود، مدام درحال کلنجار رفتن بـــا افکار منفی و هیجانی گذشـــته هســـتند. این افکار تکراری هستند و بر علل و نتایج علایم متمرکزند و مانع حل مسئله و همچنین منجر به افزایش افکار منفی می شوند.

ترجمه

راهکارهای مقابله با عوارض شب کاری

در دنیای امروز، کار کردن در شـــیفت شب افزایش یافته است. شب کاری می تواند از جنبه مالی خوب باشد اما از نظر سلامتی در حوزه جسم و به خصوص روان، چندان مطلوب نیست. در ادامه چند توصیه برای کاهش آسیب های روان شناسانه شب کاری داریم.

اصولـــی اســـتراحت کنید:

اســـتراحت های کوتاه ۵ تا ۱۰ دقیقه ای به ازای هر یک ســـاعت کار، برای شب کارها بسیار توصیه شده است. به گزارش برترین ها، این میزان بستگی به این دارد که بیشتر اوقات یک جا می نشینید یا تحرک دارید و این طرف و آن طرف می روید. استراحت های کوتاه، می تواند از شما در برابر عوارض ناشی از ساعت ها یک جا نشستن محافظت کند و خلاقیت و کارایی شما را بالا ببرد، تمرکزتان را بیشتر کند، شاخص توده بدنی تان را پایین بیاورد، به ســـلامت چشم های تان کمک و حافظه و توان یادگیری تان را تقویت کند.

زندگـــی اجتماعـــی تان را تقویت کنید:

اگر در ســـاعت های غیر معمول کار می کنید، ممکن است به ســـختی بتوانید زمانی برای سپری کردن با خانواده و دوستان پیدا کنید اما در برنامه ای که دارید، نیاز دارید زمانی را به زندگـــی اجتماعی خود اختصاص دهید. وقت گذرانـــدن در کنار خانواده و دوستان، کمک تان می کند احساس آرامش و امنیت کنید و از استرس دور بمانید. اگر زمان زیادی ندارید تا در کنار دوستان و خانواده سپری کنید، کیفیت همان زمان هـــای کوتاهی را که با آن ها هستید، بالا ببرید. به طور مثال، یک مهمانی کوچک آخر هفته یا با هم خرید رفتن، می تواند به شـــما کمک کند در ارتباط خوبی با آن هایی که دوســـت شان دارید، باشید.

[...]

در ادامه ستون ترجمه، درباره «راهکارهای مقابله با عوارض شب کاری»، باید بدانید افرادی که شب کار هستند، معمولا مشکلاتی برای خوابیدن دارند چون ساعت بدن به سختی می تواند خودش را تطبیق دهد که در روشنایی روز بخوابد اما به هر حال باید میزان خوابی را که بدن نیاز دارد، تامین کنید در غیر این صورت در معرض چاقی، بیماری قلبی، استرس و دیگر مشکلات قرار خواهید گرفت. برای این که ساعات خواب تان کافی باشد، باید برنامه روزانه خاصی داشته و به آن پایبند باشید

پسردایی دختر مورد علاقه ام به خواستگاری اش رفته!

۱۹ ســـاله ام و مدرکم دیپلم است. پارسال کنکور دادم و در رشته مورد علاقه ام که پرستاری است، قبول نشدم. امســـال می خواهم دوباره کنکور بدهم. چند وقتی است عاشق دختری ۱۵ ساله شـــده ام ولی چون هنوز آینده شغلی ام معلوم نیســـت، جرئت نمی کنم به خواستگاری اش بروم. مدتی است فهمیدم پسردایی آن دختر هم به خواســـتگاری اش رفته ولی به دلیل سن کم دختر به او جواب قطعی نداده اند. می ترسم تا تابستان ازدواج کند و شکست سنگینی در زندگی ام بخورم.

راهله فارسی | مشاور

مشاوره ازدواج

شما با قبول نشدن در دانشگاه، احساس شکست کردید و دوست ندارید با ازدواج این خانم، دوباره این حس را تجربه کنید اما اولین نکته ای که باید خدمت شما بگویم، سن شماســـت. در سنی که شما قرار دارید، انتخاب ها بر مبنای احساسات است و باید گفت که عشق و علاقه، تنها شـــرط لازم و کافی برای یک ازدواج نیست. برای یک ازدواج خوب باید شرایط دیگری هم داشت که در ادامه برای شما مطرح می کنم البته شما با توجه به متن پیامک تان به نظر به بعضی از آن موارد آگاه هستید.

با خانواده تان مشورت کنید

با خانواده تان درباره حس و علاقه تان صحبت کنید، شاید اگر آن ها موافق باشند، بتوانند با آن خانم صحبت کنند و از احساس و نظر وی و خانواده شان نیز آگاه شوند. اگر شرایط ازدواج با یکدیگر را داشته باشید، این اتفاق باعث می شود تا زمان به ثبات رسیدن شرایط شما صبر کنند.

در دام این تله ها نیفتید

باتوجه به شرایط شما، لازم می دانم به چند مورد از افکار غلطی که باعث انتخاب های اشتباه می شود، اشاره کنم.

شیفتگی و عشق بی اندازه: عشق یکی از لازمه های ازدواج اســـت اما برای ازدواج کافی نیست. یکی از خطرناک ترین شرایط انتخاب همسر ،زمانی برای شـــما پیش می آید که «عاشق» می شـــوید! در این حالت شـــما آن قدر تحت تاثیر هیجانات و احساسات هســـتید که نمی توانید درســـت ببینید و درســـت تصمیم بگیرید. قبول این مسئله برای کسانی که در اوج عشق هستند، بسیار سخت است.

احســـاس تنهایی شدید: تنهایی های دوران مجردی گاهی برایمان تحمل ناپذیر می شـــود اما نباید باعث شود بدون بررسی تن به ازدواج دهید.

عجله: در هر انتخابـــی، وقتی ما در شرایط اضطرار و عجله قرار می گیریم، امکان اشتباه کردن مان چندین برابـــر می شـــود و زمانی که این انتخاب به بزرگی انتخاب شـــریک زندگی باشد، اهمیتش بیشتر می شود. شما چون نگران ازدواج ایشان هستید، دارید به خودتان اســـترس می دهید و عجله دارید این حس به سرانجام برسد و به عاقبت آن فکر نمی کنید.

سن پایین: بیشتر روان شناسان امروزی معتقدند به طور کلی در جامعه شهری فعلی سن زیر ۲۰ ســـال برای ازدواج آقایان، سنی پرخطر است. ازدواج سالم نیاز به بلوغ های چندگانه دارد که بسیاری از آن ها در سنین پایین حاصل نمی شـــود. بسیاری از افراد در سنین آغاز جوانی هنوز نمی دانند از زندگی چه می خواهند و در سال های بعد، اولویت هایشان تغییرات زیادی پیدا می کند. ضمن این که در این ســـنین معمولا احساسات ما بر عقل مان چیره است.

نکاتی درباره خواستگاری

قبل از هر چیز از خودتان بپرسید واقعا آماده ازدواج هستید؟ پیش از آن که پیشنهاد ازدواج دهید، درباره اهداف خود فکر و با فرد مدنظر صحبت کنید. اگر قصد دارید به فردی پیشنهاد ازدواج دهید، حتما خانواده تان را مطلع کنید. ازدواج چیزی نیست که بخواهید به خاطر انگیزه های آنی وارد آن شوید. نباید فکر کنید چون او خیلی زیباست یا چون خواستگاران زیادی دارد، باید سریع وارد عمل شوید و او را انتخاب کنید. در قدم آخر، به شما تاکید می کنم بهترین روش برای پیشـــنهاد دادن، این است که خانواده شما قدم جلو بگذارند یا فردی واسطه شود و ببیند حس طرف مقابل درباره شما چیست و آیا اصلا شما شرایط ایشان یا خانواده شان را دارید؟

با ترس دختر ۳ ساله ام از دندان پزشکی چه کنم؟

عکس تزیینی است

دختر سه ســـاله ای دارم. یکی از دندان هایش خراب شده اســـت. می خواهیم او را به دندان پزشکی ببریم ولی خیلی می ترسد. چطور او را آماده حضور در آن جا کنیم؟

عبدالحسین ترابیان، | کارشناس ارشد روان شناسی

تربیت فرزند

عمده ترس ها آموختنی است و با توجه به واکنش دیگران به یک موضوع، ما نیز ممکن است همان واکنش را تکرار کنیم. برخی محیط ها به خصوص محیط های درمانی مانند دندان پزشکی در بزرگ ســـالان هم کم و بیش اضطراب و تشویش ایجاد می کند و صرفا منحصر به کودکان نیست. با توجه به تجربه کودکان از محیط های درمانی که واکســـن دریافت کرده اند، هر فردی با پوشش سفید را پرســـتار می دانند و دچار اضطراب و شـــاید بی قراری می شـــوند که این تعمیم محرک در کودکان، طبیعی و مشهود است.

تفکر عینی کودکان را جدی بگیرید

ترس مانند هیجانات دیگر از فردی به فرد دیگر و گاهی از والدین نیز به کودکان منتقل می شود، همان گونه که شادی و غم ما اطرافیان را تحت تاثیر قرار می دهد. پس ضرورت دارد والدین باور داشته باشند که آمادگی روحی-روانی کودکان به روحیات اطرافیان به خصوص والدین گره خورده است. موضوع دیگری که باید به طور جدی مورد توجه والدین باشد، داشتن تفکر عینی کودکان است. کودکان محیط اطراف و وقایع را از حدقه چشم والدین می بینند و خود، نگاه و نظر مستقلی به اتفاقات و جهان پیرامون خود ندارند! تفکر عینی کودکان بیش از پیش مسئولیت تربیتی والدین را افزایش می دهد چون کودک در این مرحله رشد، رفتار، گفتار و هیجانات والدین را کپی برداری می کند.

۳ توصیه به شما

با توجه به نکات مطرح شده، توصیه هایی برای شما داریم.

۱-از تفکر عینی کودک برای خوش بینی به محیط دندان پزشـــکی بهره ببرید و هرچه بیشتر با گفت و گوی متناســـب با فهم او، ضرورت حضور وی را در آن جا توضیح و به او احساس امنیت بدهید.

۲-تا حد امکان از متخصص دندان پزشکی کودکان استفاده کنید زیرا محیط پذیرش و درمان و نوع برخورد آن ها با کودک آرامش بخش تر است.

۳-اندکی ترس کودک از دندان پزشـــکی را طبیعی تلقی کنید و منتظر نباشید که هیچ اضطرابی نداشته باشد. جرئت مندی والدین، حلال خیلی از مشکلات کودکان است.